

معرفی کتاب

کتاب‌شناسی توصیفی غریب‌القرآن سبستانی

● علی‌رضا عظیمی‌فر

نگارندهٔ این نوشته درصدد برآمده تا به تعریف و جایگاه یکی از زیرمجموعه‌های علوم ادبی یعنی دانش «غریب‌القرآن» بپردازد که در کارنامهٔ دیرینه‌اش نیز با همین نام شناخته شده و امروزه، به خصوص بر دانش‌پژوهان حوزوی و دانشگاهی، تا اندازه‌ای ناآشناست. به علاوه، در این مقاله یکی از کهن‌ترین، مهم‌ترین و برجسته‌ترین آثار در این باره به نام غریب‌القرآن سبستانی^۱ معرفی می‌شود.

دانش غریب‌القرآن و جایگاه آن

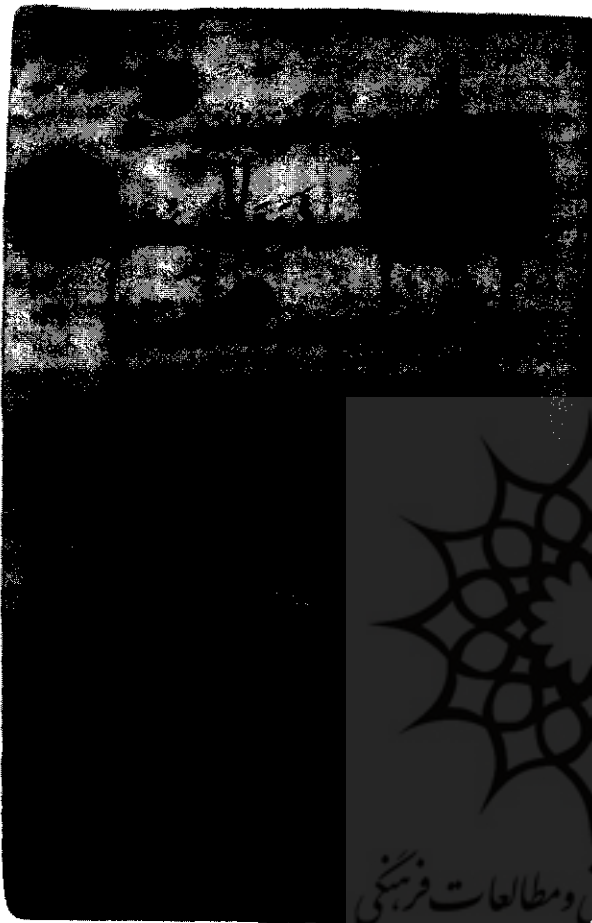
اندیشمندان علوم قرآنی در تعریف این دانش گفته‌اند: «به دانشی که به بررسی و معنایی واژه‌های دیرباب، پیچیده، پنهان، ناشناخته و فراموش شده از آیات می‌پردازد غریب‌القرآن گویند».^۲ به تعبیر دیگر: «آن دسته از واژگان آیات که معانی آنها به سادگی و راحتی به دست نمی‌آید و پرده‌برداری از ابهامات آنها نیازمند دقت و جست‌وجوی بیشتر است در دانش غریب‌القرآن مورد بررسی، شناسایی، توضیح و تبیین قرار داده می‌شود».

پژوهشگران عرصهٔ این دانش تلاش کرده تا علاوه بر پاسخ به چپستی خصوصیت دیربابی، ناشناختگی و پیچیدگی این گروه از الفاظ آیات به کشف معانی آنها نیز دست یابند. بدین‌سان غریب بودن یک لفظ و سخن به دو صورت قابل تصور است: معنای واژه و کلام پیچیده، دشوار و دیرباب و فهم آن نیازمند فکر کردن و تعمق بیشتر باشد؛ مراد از آن لفظ و سخنی باشد که در میان مردم رواج ندارد، اما در گذشتهٔ دور مردم با آن سخن گفته‌اند و اکنون با مرور زمان این لفظ و سخن غریب می‌نماید. اما باید توجه داشت که غریب بودن الفاظ قرآن با تعریف و تصور دوم صحیح نیست، زیرا قرآن کریم واژه‌های فصیح و بلیغ دارد و هرگز آن گروه الفاظ بیگانه و ناآشنا که الفت ذهنی با کلمات و جملات عموم مردم



شناخت صحیح و درک دقیق و نزدیک به واقع از مجموعهٔ موضوعات و مسائل هر دانشی وابسته به برخورداری هرچه بهتر و بیشتر پژوهشگر در به کارگیری قواعد، اصول و ابزاری است که در اختیار وی قرار دارد. از این رو، دانش تفسیر همانند دیگر دانشها دارای قواعد، اصول و ابزاری است که استفادهٔ درست از آنها به فهم و شناخت صحیح پژوهشگر می‌انجامد و درصد خطای وی را کاهش می‌دهد. بنابراین ضروری است که پژوهندهٔ علوم قرآنی پیش از ورود به حوزهٔ دانش تفسیر با دانشهای وابسته به شناخت قرآن آشنا باشد.

اغلب دانشوران و تفسیرگران قرآن در آثارشان به این دسته از علوم مورد نیاز در تفسیر و تبیین آیات اشاره کرده و از ضرورت آگاهی مفسر از آنها سخن گفته‌اند؛^۱ گرچه مفسران و محققان علوم قرآنی در تعداد علوم مورد نیاز در تفسیر رأی یکسان ندارند، مهم‌ترین و عمده‌ترین این دانشها که مورد وفاق جمعی آنها قرار دارد چنین است: علوم ادبی، بلاغی، حدیثی، کلامی، قرآنی، اجتهادی و تاریخی.^۲



نسازد در آن به کار نرفته زیرا هدف خدای متعال تفهیم سخن و پیام بلند و والای قرآن به عموم مردم است و زمانی این غرض تأمین می‌شود که کلمات و جملات با ذهن مردم آشنا باشد. از این رو ابن اثیر از لغت‌شناسان و فرهنگ‌نویسان برجسته و پرآوازه عرب دربارهٔ چیستی و عوامل غربت الفاظ قرآن این‌گونه توضیح داده است: «تا پایان قرن دوم هیچ‌گونه خللی در زبان و لغت عرب به وجود نیامده و تا آن زمان معانی الفاظ به اصالت ریشهٔ خود و فصاحت و بلاغت آنها باقی مانده و راه نادرستی در آنها پدید نیامده بود. آنگاه که دورهٔ فتوحات آغاز شد و عرب‌زبانان با دیگر ملت‌ها چون روم، ایران، حبشه و دیگر ملت‌ها هم‌نشین گشتند زبان و لغت عرب با دیگر زبان‌ها و لغت‌ها آمیخته شد و بدین‌سان آنان به جهت نیاز به گفت‌وگو با ملت‌های هم‌نشین ناچار به آموختن زبان آنها و به‌کارگیری بسیاری از لغات آنها شدند. با گذشت زمان شماری از معانی الفاظ از جمله آیات قرآن کریم از ذهن عرب‌زبانان دور و به فراموشی سپرده شد و کم‌کم لغات ریشه‌دار قرآن و معانی آنها در نزدشان پیچیده، مهجور و مبهم گردید.»^۵

اکنون اهمیت آشنایی با دانش غریب‌القرآن را می‌توان در موارد ذیل برشمرد:

۱. تبیین و توضیح و برداشتن ابهامات و پیچیدگی لغت فراموش شده و پنهان و هموار ساختن راه دشوار در فهم واژگان آیات و نزدیک شدن به مراد گویندهٔ آنها.
۲. شناسایی معانی نوظهور از معانی کهن الفاظ به خصوص معانی به کار رفته در عصر نزول آیات که به دلیل تحول معنایی در ساختار لغات و زبان عرب با گذشت زمان به وجود آمده است.
۳. توجه اندیشمندان مسلمان از گذشتهٔ دور تا به امروز و آفرینش آثاری برجسته که حکایت از اهمیت و نقش به‌سزای این دانش در فهم درست و درک صحیح از واژگان آیات دارد.^۶

سجستانی و غریب‌القرآن

ابوبکر محمدبن عزیز^۷ سجستانی، ادیب، لغت‌شناس و مفسر از چهره‌های بنام و آشنا در شناخت واژگان قرآن کریم (متوفی ۳۳۰ق)^۸ است. کهن‌ترین و جدیدترین مصادر مترجمان سخنی از تاریخ ولادت، مراحل زندگی، مشارکت عمومی و اجتماعی، ارتباط با دستگاه خلافت و حاکمان عصر و حتی مذهب این شخصیت یاد نکرده‌اند. با آنکه وی در بغداد مرکز خلافت و قضاوت و حضور دانشمندان بزرگ و کرسیهای درسی فراوان در آن عصر زندگی کرده و به‌طور طبیعی بایست استادان فراوانی را ملاقات و از آنها

دانش فرا گیرد از استادانش، جز ابوبکر انباری^۹، نامی به میان نیامده است، اما همین موضوع می‌تواند نشانهٔ ارتباط نزدیک و صمیمی و درازمدت میان استاد و شاگرد باشد. با این وصف، شرح‌حال‌نویسان در پارسایی، درستکاری، راستگویی و فروتنی سجستانی هم رأی و هم داستان‌اند.^{۱۰}

اما فهرست‌نویسان در نام‌گذاری تنها اثر ماندگار و به یادگار سجستانی رأی یکسانی صادر نکرده‌اند. بسیاری از منابع کهن آن را «غریب‌القرآن» نامیدند^{۱۱} و همین نام تا به امروز نزد صاحب‌نظران از آوازهٔ بیشتری برخوردار بوده است، لیکن عده‌ای نیز آن را «تزهة القلوب فی غریب‌القرآن علی حروف المعجم» نامیده‌اند.^{۱۲}

جایگاه غریب‌القرآن

بی‌گمان غریب‌القرآن سجستانی نزد قرآن‌پژوهان اثری ناشناخته و گمنام نبوده و نیست. در اهمیت این نوشته همین

۶. بیان معانی متضاد از لغات و تفاوت میان آنها؛ سجستانی کوشیده است تا هرگاه در پی کشف معنای یک لفظ باشد معانی متضاد آن و نیز اختلاف آنها را یاد کند تا خواننده بهتر و بیشتر به این معانی دست یابد. برای نمونه، ایشان در بیان معنای «صنم و وثن» از این روش استفاده کرده است.

گزارشگران غریب القرآن

مترجمان در شناسایی تنها اثر سجستانی سه شخصیت برجسته علمی را به عنوان روایتگران این اثر معرفی کردند: ابوعمر و عثمان بن احمد بن سمان مجاشعی (متوفی ۳۶۷ ق)، ابواحمد عبدالله بن حسین بن حسنون (متوفی ۳۸۶ ق) و ابوعبدالله عبدالله بن محمد بن حمدان بن بطه عکبری (متوفی ۳۸۷ ق).^{۱۷} این شخصیتها غریب القرآن را گزارش و تاکنون به دست ما رسانده‌اند، اما پنهان نباشد که خطیب بغدادی روایت ابن بطه از غریب القرآن را نفی کرده و گفته است که در نزد حمزه دقاق این نوشته را دیده و درباره روایت ابن بطه از سجستانی پرسیده و وی گفته که ابن بطه ادعای شنیدن و روایت آن را از سجستانی کرده، ولی این سخن نادرست است.^{۱۸}

مصادر غریب القرآن

نویسنده در مقدمه و متن نوشته خویش به هیچ مصدر و مرجعی از آثار اندیشمندان هم عصر و قبل از خود اشاره نکرده است و فقط با مراجعه به متن نوشتار می‌توان اسامی بسیاری از صحابیان پیامبر گرامی و تابعان آنان و نیز مفسران، قاریان، لغت‌نگاران، اعراب‌نویسان، و نگارندگان غریب القرآن از عالمان گذشته را مشاهده کرد که نشان از اعتماد و استفاده سجستانی از آثار پیشینیان دارد. عمده‌ترین این مصادر که در موارد فراوان در غریب القرآن بدانها استناد گردیده عبارت است از:

غریب القرآن علی‌بن حمزه کسائی (متوفی ۱۸۹ ق)، معانی القرآن یحیی بن زیاد فرا (متوفی ۲۰۷ ق)، مجاز القرآن ابی عبیده معمر بن مثنی (متوفی ۲۰۷ ق)، غریب القرآن ابن قتیبه عبدالله بن مسلم (متوفی ۲۷۰ ق)، غریب القرآن احمد بن یحیی معروف به ثعلب (متوفی ۲۹۱ ق).

توصیف عمومی از غریب القرآن

سجستانی برخلاف نویسندگان آثار پیشین نه به اختصار مطالب اثرش را به خواننده ارائه داده تا وی در دریافت معانی پنهان و ناآشنا از واژگان آیات با مشکل مواجه گردد و نه به اطالۀ آنها پرداخته تا فهم عبارت متن همواره بر ذهن سنگینی کند، بلکه راه و روش میانه‌ای برگزیده و کوشیده است تا معنای ناپیدا

بس که ابن انباری و به دنبال وی جلال‌الدین سیوطی (متوفی ۹۱۱ ق) و شمس‌الدین داوودی (متوفی ۹۴۵ ق) آن را با عبارت «اجاد»^{۱۳} ستوده‌اند^{۱۴} و بدرالدین زرکشی (متوفی ۷۹۴ ق) این اثر را مشهورترین نوشته در مجموعه آثار نگاشته شده در زمینه دانش غریب القرآن شمرده است.^{۱۵} با این همه، چند امتیاز ویژه می‌توان برای این کتاب یاد کرد که در نگاره‌های پیشتر از آن نبوده یا کمتر مورد توجه قرار گرفته است و آنها عبارت‌اند از:

۱. رعایت ترتیب و تنظیم الفبایی در بررسی و شناسایی واژه‌های قرآن؛ تردیدی نیست سجستانی از نخستین پدیدآورندگانی است که در معنایابی واژگان آیات به روش ترتیبی و براساس حروف الفبایی عمل کرده‌اند. از این رو اثر وی را می‌توان در زمره اولین معجمه‌های الفبایی در کشف معانی الفاظ قرآن دانست. بدین لحاظ نوآوری و ابتکار نویسنده در گزینش این روش، امتیازی خاص به این کتاب بخشیده است.

۲. جداسازی معنای لغات از لابه‌لای جملات ترکیبی آیات؛ سجستانی در فهم و پرده‌برداری از معنای یک واژه در قرآن فقط به دیدگاه لغت‌شناسان و به استناد شعر شاعران و حدیث راویان بسنده نکرده، بلکه معنای لفظ را از درون جملات و گزاره‌های آیات یافته است. برای نمونه نویسنده در بیان معنای صبر در آیه شریفه «افرغ علينا صبراً» چنین نوشته است «كما تفرغ الدلو - ای - تصب»^{۱۶} = صبر همانند آن است که دلو به آب برسد.

۳. بررسی و شرح مهم‌ترین و عمده‌ترین کلمات، اعلام و اماکن ناشناخته؛ نویسنده علاوه بر توضیح واژه‌های پنهان و دارای ابهام از آیات، اسامی مکانها و علمها مانند ارم، جودی، بابل، بقل، من، سلوی، بکه، مکه و ... را یادآورده و هرگونه ابهامی که در این الفاظ بوده شناسایی و برداشته است.

۴. شناسایی ریشه‌های بنیادین لغات وارداتی (دخیل) در آیات؛ نگارنده الفاظی را که از قبیله‌های دور و نزدیک عرب یا ملت‌های مختلف هم‌جوار با سرزمین وحی در آیات قرآن وارد شده معرفی کرده و به یافتن معنای آنها براساس آنچه در آن قبیله و ملت به کار برده شده پرداخته است. نویسندگان دیگر آثار رفیق و رقیب غریب القرآن سجستانی به این موضوع کمتر توجه کرده‌اند و از این رو روش نویسنده در انتخاب این گزینه از خصوصیات این نوشته به شمار می‌آید.

۵. ضبط وزن و شکل کلمه با نگاه به اشتباه و نظایر آن؛ دقت نویسنده به وزن‌ها و شکلهای کلمات موجود در آیات با توجه به واژه‌هایی همانند آنها کاری است که در این اثر در موارد متعددی نمایان شده است. برای نمونه، نویسنده در ضبط وزن لفظ «اکنه» و «اسنه» ریشه آن را که «کنان» و «سنان» باشد در نظر گرفته و با این شباهت به معنای آنها اشاره کرده است.



و دشوار الفاظ قرآن را به گونه‌ای توضیح و تبیین سازد و درک آنها را برای خواننده آشکار نماید تا وی بتواند به سرعت و در کمترین فرصت به محتوای کلی متن کتاب وحی و پیام آن دست پیدا کند. بدین لحاظ تشریح و تفسیر سجستانی از لغات به توضیح لغت‌نویسان در بیان معانی واژه‌ها شباهت دارد.

باری، نویسنده در این اثر به ترتیب ۲۸ حرف الفبایی از همزه تا یا و با انتخاب حرکات فتحه، ضمه و کسره در حرف آغازین کلمه و براساس نظم آیات و سوره به بررسی، شناسایی و کشف معنای واژه‌های قرآن پرداخته است اما چند نکته در اینجا گفتنی است:

الف) سجستانی در این روش حرف الف را پیش از همزه آورده است.

ب) در روش ترتیبی خود به ریشه اصلی و بنیادین لفظ توجه نکرده است.

ج) این روش ابتکاری و نوین نویسنده از نقصان به دور نمانده، زیرا در مواردی به این روش پایبند نبوده و بلان عمل نکرده است.^{۱۹} با این همه، مفسر در اثرش از آرای مفسران، قاریان، لغت‌نویسان گذشته و هم عصر در یافتن معانی درست و صحیح از الفاظ کمک فراوان گرفته است.

روش مفسر

نویسنده در نگارش اثرش به هدف شناسایی و معنایابی واژه‌های غریب آیات و اعلام و اماکن گمنام و یاد شده در قرآن به چند موضوع توجه جدی کرده است.

۱. بررسی و شناساندن معنای لفظ با استفاده از جملات ترکیبی موجود در آیه‌ها.

۲. تبیین وجوه معنایی ادوات ربطی از الفاظی چون هل، او، ثم و ...

۳. شناساندن ریشه کلمات.

۴. بیان نوع کلمه به لحاظ مصدری و غیر آن.

۵. یاد کرد، اسامی مفرد، مثنی، جمع، مذکر و مؤنث.

بدین سان روش مفسر را در رسیدن به این هدف و تحقق بخشیدن به موارد یاد شده می‌توان در تمسک وی به اصول و قواعد معتبر به کار گرفته شده در دانش تفسیر برشمرد و آنها عبارت‌انداز:

الف) استشهاد به آیات قرآنی در توضیح و تبیین الفاظ غریب؛ از نظر سجستانی نخستین مرجع و منبع برای دریافت معانی الفاظ آیات و تشریح آنها پیش از دیگر ابزار مانند لغت، شعر و حدیث و قرآن کریم است. وی با اعتماد و استمداد از آیات به کشف معنای لفظ پرداخته است؛ برای نمونه در بیان معنای الرقیم می‌نویسد:

«الرقيم الكتاب و هو فعيل بمعنى مفعول و منه كتاب مرقوم ای مکتوب»^{۲۰}

ب) اهتمام به آرای قاریان و قرائت آنان؛ از آنجا که اختلاف در قرائت یک لفظ عامل اختلاف معنای آن می‌گردد، نویسنده به رأی قاریان و قرائتهای آنان اهمیت خاصی داده است. از این رو در اثرش انواع قرائتهای مختلف از قاریان برجسته و معروف را آورده و با توجه به نوع قرائت آنها معانی متفاوت از لفظ آیه را بیان کرده است. وی در تفسیر معنای واژه «رثیا» نوشته است: «رثیا بهمهزة ساكنة قبل الیا هو ما رأیت علیه من شاره و هیئه و ریا بغير همزة یجوز ان یکون علی معنی الاول و یجوز ان یکون من الری ای نظر هم مراه من النعمة و زیا بالزای یعنی هیئه و منظر و قرئت بهذه الثلاثة الواجه»^{۲۱}

ج) استناد به حدیث؛ گاه مفسر برای معنایابی واژه به ناچار به حدیث روی آورده و آن را گواه مورد اعتماد در فهم و کشف معنا دانسته است. بنابراین با بهره‌گیری مناسب از حدیث نبوی و منقول از صحابیان و تابعان نزدیک به دوره نزول قرآن تصویر روشنی از

پردازش به مطالب موجود در کتاب و نیز استناد و استشهاد به آیات قرآن در شناسایی معانی الفاظ و تقدم قرآن بر دیدگاه لغت‌نویسان و شاعران از مواردی است که این اثر را برخلاف آثار گذشتگان ممتاز و شایان توجه قرآن پژوهان قرار داده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. بنگرید به: زرکشی، بدرالدین، محمدبن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۸۹؛ سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۲۰۹.
۲. بنگرید به: الاتقان، ج ۲، ص ۱۲۰۹؛ ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۲۶۵.
۳. امروزه این اثر با چاپ‌های مختلف انتشار یافته است. نخست با کوشش و مقدمه عالمانه یوسف مرعشلی و بار دیگر با تلاش و پیش‌نوشتار علمی احمد عبدالقادر اصلاحیه توسط دارطلاس (دمشق ۱۹۳۳) در دسترس قرآن پژوهان قرار گرفته است.
۴. بنگرید به: عبدالقادر اصلاحیه، احمد، مقدمه غریب‌القرآن سجستانی، ص ۳۸؛ مرعشلی، یوسف، مقدمه العمدة فی غریب القرآن، مکی بن ابی‌طالب، ص ۱۵.

۵. بنگرید به: مقدمه العمدة فی غریب القرآن، ص ۱۷.

۶. پژوهشگران تاکنون ۱۹۵ اثر در زمینه دانش غریب‌القرآن شناسایی کرده که تعدادی از آنها موجود و برخی از دست رفته است فهرست این آثار در مقدمه العمدة فی غریب‌القرآن مکی بن ابی‌طالب و غریب‌القرآن سجستانی ثبت گردیده است.

۷. منابع در ضبط نام پدر سجستانی اختلاف دارند. اغلب مترجمان با ذکر دلیلی آن را عزیر با رای ثبت کرده و در برابر برخی با زای آورده‌اند و به نظر می‌رسد دیدگاه نخست به صواب نزدیک‌تر باشد.

بنگرید: عبدالقادر اصلاحیه: احمد، مقدمه غریب‌القرآن سجستانی، ص ۹ و نیز ابن اثیر، اللیاب فی تهذیب الانساب، ج ۲، ص ۱۱۴.

۸. بنگرید به: الفهرست ابن ندیم، ص ۵۵؛ اللیاب فی تهذیب الانساب ج ۲، ص ۱۱۴؛ ذهبی، شمس‌الدین محمد، سیر اعلام النبلا، ج ۱۵، ص ۲۱۶، رقم ۵۸۰ الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳؛ البرهان فی علوم القرآن، زرکشی، ج ۱، ص ۳۹۳ و ج ۲، ص ۳۹۴؛ سیوطی، جلال‌الدین، بغیة الوعاة، ج ۱، ص ۱۷۱؛ ابن انباری، ابا البرکات، زهدة الالباب فی طبقات الادباء، ص ۲۳۱؛ داوودی، شمس‌الدین محمد، طبقات المفسرین، ج ۲، ص ۱۹۵، رقم ۵۲۴؛ کحاله، عمررضا، معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۲۹۲؛ حاجی‌خلیفه، کشف‌الظنون، ج ۶ ص ۳۶؛ نویهض، عادل، معجم المفسرین، ج ۲، ص ۵۷۴؛ زرکلی، خیرالدین، الاعلام، ج ۶ ص ۲۶۸؛ تهرانی، آقابزرگ، الذریعة، ج ۱۶، ص ۴۹، رقم ۲۰۶.

۹. ابوبکر بن بشار انباری از ادیبان و لغت‌نویسان برجسته و از استادان بسیاری از دانشمندان ادب‌شناس عرب، از جمله سجستانی، است. مترجمان، آثاری را از جمله معانی القرآن از وی ثبت کرده و تاریخ درگذشتش را ۳۲۸

مفهوم آیه ارائه داده است. ایشان در بیان معنای «امت» آن را به مردی که در دینداری تنها و بی‌همراه است تشبیه کرده و آنگاه به حدیثی از پیامبر (ص) در این باره استناد جسته است که آن حضرت فرمودند: «بیعت زید ابن عمرو بن نفیل امة واحدة»^{۲۲}.

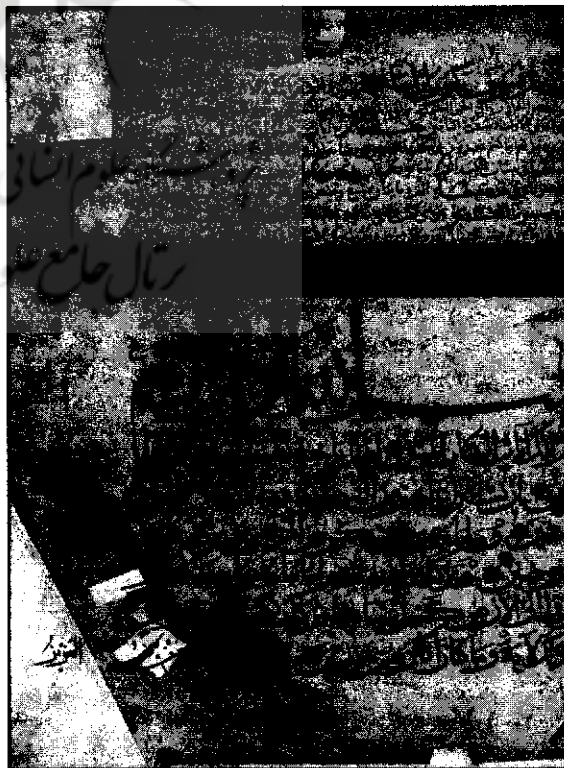
د) توجه به دیدگاه لغت‌شناسان و شاعران؛ از جمله مواردی که سجستانی توانسته به خوبی در پر بار کردن کتابش استفاده کند موضوع دیدگاه عالمان به لغت عرب و شاعرانی است که ابیات آنها می‌تواند شاهی مناسب برای شناخت بهتر واژگان آیات باشد. برخورد خواننده با غریب‌القرآن سبب می‌شود تا با بسیاری از نظریه‌های لغت‌شناسان و شاعران آشنا شود و نشانه‌هایی از فهم الفاظ آیات و معنای آنها را با اطمینان بیشتر دریافت کند. نویسنده در معنای «الرجع» در آیه شریفه «السماء الرجع» می‌نویسد: «ابوعبیده آن را به معنای آب دانسته و به این بیت استشهاد نموده است:

«ابيض كالرجع الرسوب اذا

ما ساخ فی محتفل مختلی»^{۲۳}

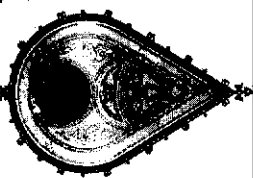
نتیجه‌گیری:

غریب‌القرآن سجستانی متنی نگاشته شده در آغاز قرن سوم و با شیوه نوشتاری سبک آثار دانشمندان پیشین است، لیکن نوآوری مفسر در روش معجم‌نویسی و ترتیب الفبایی به علاوه اعتدال در



السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ
إِلَّا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حَمْدُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ



دانسته‌اند. بنگرید به: سیر اعلام النبلا ج ۱۵، ص ۲۱۶، رقم ۵۸۰ نزهه الباء، ص ۲۳۱؛ طبقات المفسرين، داوودی، ج ۲، ص ۱۵۹، رقم ۵۳۴.

۱۰. همان.

۱۱. بنگرید به: الفهرست، ابن ندیم، ص ۵۵؛ سیر اعلام النبلا ج ۱۵، ص ۲۱۶، رقم ۸۰ بغية الوعاة، ج ۱، ص ۱۷۱؛ البرهان، زرکشی، ج ۱، ص ۳۹۳ و ج ۲، ص ۳۹۴؛ نزهه الالباء، ص ۲۳۱؛ الاتقان، ج ۱، ص ۴؛ طبقات المفسرين، داوودی، ج ۲، ص ۱۹۵، رقم ۵۳۴.

۱۲. طریحی، فخرالدین، غریب القرآن، ص ۴؛ كشفالظنون، ج ۶ ص ۳۶؛ معجم المؤلفين، ج ۹، ص ۲۹۲؛ معجم المفسرين، نويهض، ج ۲، ص ۵۷۴؛ الذريعة، ج ۱۶، ص ۴۹، رقم ۲۰۶.

۱۳. این عبارت به معنای نیک و پسندیده داشتن استفاده می‌شود، لیکن وقتی درباره کتابی به کار گرفته می‌شود نشان از رتبه علمی و اهمیت آن در نزد عالمان است.

۱۴. نزهه الالباء، ص ۲۱۵؛ الاتقان، ج ۱، ص ۳؛ طبقات المفسرين، داوودی، ج ۲، ص ۱۹۵، رقم ۵۳۴.

۱۵. البرهان، ج ۱، ص ۳۹۳ و ج ۲ ص ۳۹۴.

۱۶. غریب القرآن سجستانی، ص ۱۰۱.

۱۷. سیر اعلام النبلا ج ۱۵، ص ۲۱۶، رقم ۵۸۰ نزهه الباء، ص ۲۳۱؛

طبقات المفسرين، داوودی، ج ۲، ص ۱۹۵، رقم ۵۳۴.

۱۸. تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۳۷۰، رقم ۵۵۳۶.

۱۹. برای نمونه نویسنده کلمه (مقتحم معکم) سوره «ص» / ۵۹ را در ردیف میم مفتوحه و کلمه (یوم یکشف عن ساق) سوره قلم / ۴۳ را در ردیف پای مضمومه و کلمه (تمنی) سوره حج / ۵۲ را در ردیف امانی آورده است.

۲۰. غریب القرآن، سجستانی ص ۲۰۴.

۲۱. همان، ص ۲۱۰.

۲۲. همان، ص ۱۲۲.

۲۳. همان، ص ۲۰۲.

منابع:

۱. داوودی، شمس‌الدین محمد بن علی بن احمد، طبقات المفسرين، دارالکتب العلمیه، بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۰۳ق.

۲. نويهض، عادل، معجم المفسرين، مؤسسة نويهض الثقافية، الطبعة الثالثة ۱۴۰۹ق.

۳. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد، اللباب فی تہذیب الانتساب، دارالکتب العلمیه، بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۲۰ق.

۴. زرکلی، خیرالدین، الاعلام، دارالعلم للملایین، بیروت، الطبعة العاشرة ۱۹۹۲م.

۵. ذہبی، شمس‌الدین محمد بن احمد بن عثمان، سیر اعلام النبلا، مؤسسة الرسالة، بیروت، الطبعة التاسعة ۱۴۱۳ق.

۶. حاجی خلیفه، اسماعیل یاشا، كشف الظنون، دارالکتب العلمیه، بیروت

۱۴۱۳ق.

۷. صدقی، صلاح‌الدین خلیل بن ایبک، الوافی بالوفیات، دار احیاء التراث

العربی، بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۲۰ق.

۸. ابن انباری، ابی البرکات کمال‌الدین عبدالرحمن، نزهه الالباء فی طبقات الابداء، مکتبة المنار، اردن، الطبعة الثالثة ۱۴۰۵ق.

۹. تهرانی، آقابزرگ، الذريعة الى تصانيف الشيعة، دارالاضواء، بیروت.

۱۰. کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفين، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۱۱. مکی بن ابی طالب ابی محمد، العمدة فی غریب القرآن، تحقیق یوسف

عبدالرحمن مرعشلی، مؤسسة الرساله، بیروت، الطبعة الثالثة ۱۴۰۴ق.

۱۲. سجستانی، ابوبکر محمد بن عزیز، غریب القرآن، تحقیق اصلاحیه

احمد عبدالقادر، دارطلاس، دمشق، الطبعة الاولى ۱۹۹۳م.

۱۳. ابی بکر احمد بن علی بغدادی، تاریخ بغداد، دارالکتب العلمیه، بیروت،

الطبعة الاولى ۱۴۱۷ق.

۱۴. زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق

یوسف عبدالرحمن مرعشلی، دارالمعرفة، بیروت، الطبعة الاولى ۱۴۱۰ق.

۱۵. سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد سالم

هاشم، ناشر فخردین، قم، چاپ اول ۱۳۸۰ش.